

## در شهر مونتريال كيما ميخوانند و مينوازند؟

نصير (ايام) : هن موسيقي رابشکل اما تور فرا گرفته و کوششي

مينمايم تا با احساسی تقدیم مردم نمايم

« استاد صباح »



موسيقي، طنين از دل برآمده‌ای است که لاجرم بر دل می‌نشیند.

زنده گي فصل پر از روياست

زنده گي دشني پر از غوغاست

زنده گي پرواز افکار نگاه ما به دلهاست

زنده گي رفتن به اوج دیدني هاست

شيوه رقص پرستو هاست

زنده گي رویدن گله در تن صحراست

آري زنده گي زیباست.

موسيقي هنر بیان احساسات به وسیله ی صداهاست ، موسيقي تراوش احساسات و اندیشه‌های آدمی و

مبین حالات درونی وی می‌باشد. موسيقي یا ترانه به هر نوا و صدایی گفته می‌شود که شنیدنی و

خوش آیند باشد و انسان را دچار تحول کند. موسيقي هنری است دارای نوا و سکوت. شنیدن یک آهنگ

آرام بخش و جذاب می‌تواند پایان‌پذیر خستگی روزانه باشد. واژه موسيقي ریشه یونانی دارد و گرفته شده

از کلمه Mousika و مشتق از کلمه Muse می‌باشد و در عربی قی تلفظ می‌شود. از زمان منصور

خلیفه عباسی توجه به آثار یونانی آغاز شد و سپس در دوران هارون پنجمین خلیفه عباسی (۱۹۸-۲۱۸ هـ) با تأسیس بیت‌الحکمه به اوج خود رسید.

مقارن همین دوران بوده است که واژه موسیقی راه یافته و به تدریج جایگزین غناء عربی شده است. بر اساس مدارک موجود واژه موسیقی و هم‌خانواده‌های آن در مفاتیح‌العلوم خوارزمی و رساله موسیقی اخوان‌الصفاء دیده می‌شود که هر دو متعلق به سده چهارم هجری (دهم میلادی) است. خوارزمی در تعریف موسیقی می‌گوید: موسیقی به معنی پیوند آهنگ‌هاست... تعریف ساده موسیقی یا صداهای موسیقایی، صداهای خوشایندی می‌شود که انسان از شنیدن آنها احساس لذت می‌کند. با بالا رفتن سطح فرهنگ و هنر معلوم شد صداهای خوشایند، صداهایی هستند که از نظمی خاص پیروی می‌کنند و بین آنها نسبت‌های معینی وجود دارد. برای همین عدد در موسیقی دارای اهمیت بسیاری است. تا جایی‌که فیثاغورث معتقد است که عدد اصل وجود در آفرینش است. پیروان او اجسام را هر یک عدد می‌داشتند و معتقد بودند که چون کرات آسمانی و افلاک از یکدیگر فاصله‌های معینی دارند، از نسبت آنها نغمه‌ها ساخته می‌شود و آوازه‌ها در اصل ناشی از حرکت افلاک هستند. ابوعلی سینا می‌گوید: موسیقی علمی است ریاضی که در آن از چگونگی نغمه‌ها، از نظر ملایمت و تنافر و چگونگی زمان‌های بین نغمه‌ها بحث می‌شود تا معلوم شود که لحن را چگونه باید تألیف کرد. ابونصر فارابی در احصاء‌العلوم موسیقی را علم شناسایی الحان می‌داند که شامل دو علم است: یکی علم موسیقی عملی و دیگری علم موسیقی نظری. امروز نیز این تقسیم‌بندی در موسیقی وجود دارد. افلاطون در تعریف موسیقی می‌گوید: "موسیقی یک ناموس اخلاقی است که روح و جهانیان و بال به تفکر، و جهش به تصور، و ربایش به غم و شادی، و حیات به همه می‌بخشد." و بتهوون در تعریف زیبایی خود می‌گوید: موسیقی مظهری است عالی‌تر از هر علم و فلسفه‌ای.



مونتریا بزرگترین شهر ایالت کبک در کانادا و دومین شهر بزرگ این کشور و پانزدهمین شهر بزرگ آمریکای شمالی می باشد. مونتریا دومین شهر بزرگ فرانسه زبان جهان (پس از پاریس) است. این شهر همچنین میزان قابل توجهی جمعیت انگلیسی زبان و مهاجر متفرقه دارد. از لحاظ جغرافیایی مونتریا در شرق کانادا در جنوب غرب کبک قرار دارد. مونتریا در ۵۳۹ کیلومتری شمال شرقی تورنتو و در ۱۹۰ کیلومتری شرق اتاوا قرار دارد. این شهر بزرگترین مرکز تجاری-صنعتی و فرهنگی کبک است. حدود ۶۷٪ ساکنان آن فرانسه زبان می باشند. شهر مونتریا یک شهر با مجموعه ای از فرهنگ های مختلف است. شهر مونتریا یکی از مراکز عمده زیست گاه مهاجرین در کانادا می باشد. مونتریا دومین شهر پرنفوس کانادا (پس از تورنتو) و بزرگترین شهر کبک، ولایت فرانسوی زبان کانادا است. نام مونتریا از مونت رویال آمده است که نام تپه یی است که مونتریا در میانش گرفته است. مونتریا جزو اولین شهرهای مهاجرین آمریکایی شمالی است و توسط فرانسوی ها بنا گذاشته شده است. این شهر در اصل یک جزیره ی بسیار بزرگ است در میان رودخانه سن لوران، رودخانه ای که از اقیانوس اطلس شروع می شود و به دریاچه ی آنتاریو می ریزد. نفوس مونتریا یک و نیم تادو میلیون نفر گفته میشود و با حومه به سه میلیون می رسد. شهر بین فرانسه زبان ها و انگلیسی زبان ها نصف شده است. این دو ملت که در اروپا با هم در سازش نبودند، اینجا هم چندان عاشق سینه چاک هم نیستند. غرب جزیره انگلیسی زبان است، شرقش فرانسه زبان. البته مناطق استثنا کم نیستند.

در ولایت کیوبک و شهر مونتریا گفته میشود که ده تا پانزده هزار خانواده افغان زنده گی دارند. این افغانان دوشادوش ملیتهای دیگر مصروف کار و زحمت کشی است. در جامعه افغانان مونتریا متأسفانه تشکل های هنری و فرهنگی چندان به چشم نمیخورد و علت اصلی این کم کاری رامیتوان در مصروف بودن و پراکنده گی افغانان جستجو کرد. در شهر مونتریا یگانه نهاد فعال و اکتیوی که در مراسم های ملی و تاریخی فعالانه سهم میگیرد کمیته فرهنگی و اجتماعی افغانان کیوبک است که حدوداً یک دهه قبل وسیله فرهنگیان و اندیشمندان چون محترم دکتور ثنا متین نیکی، برهان شیرزاد، رازق حسامی ... پایه گزار و تاکنون به مسوولیت محترم برهان شیرزاد نفس میکشد. این نهاد درامورات فرهنگی و هنری نقشی چشمگیری دارد و مسوولیت موسیقی این انجمن رانصیر (ایام) آوازخوان مطرح جامعه افغانان مونتریا بدوش دارد و وی باشور و هیجان زیادی میخواند و مینوازد.



از راست ( حقداد رباب نواز ، نادر عاطف اوازخوان و طبله نواز ، استاد صباح ، بصیر گیتاریست

و نصیر ایام آوازخوان )

هنرمندان دیگری چون : نظام دنیا ، فردین فریاد ، داوود فاضلی ، نادر عاطف ، نجیب ترنم ، حسیب  
همنوا. نوازنده گان- لطیف غفوری و نادر عاطف در تبله و حقداد در رباب و غیجک شهرت خوبی دارند .



یکی از آهنگهای مشهور و معروف نصیر ایام آهنگی هزاره گی وی است که بانشاط و آوازسا آن  
رامیخواند :

اگر از عاشقت جداشوی تو  
دعاگویم که خوب رسواشوی تو

اگر بوري ديگرياري بگيري  
گرفتار شبي سرما شوي تو-

سوي چشمه موري چادر دشانه  
موي سياه سرروي دانه دانه  
مني آغيل پس آغيل ديده جو  
خبر باشي که ميايم شبانه -

الا ديده توماه ي پس بندي  
سياه پيکي دري ابرو کمندي  
نخند بلند بلند مني آغيل  
نکوخته که بيخ موري کندي.

نصيرايام در شهر زيبياي کابل به دنيا آمد و زايام طفوليت با ساز و آوا زوبا نوای دل انگيز موسيقي علاقه داشت ، وي از کودکی بخاطر فراگيري بهتر و خوبتر موسيقي تلاشهاي فراواني نمود . ايام با آغاز ناسازگاري هاي اجتماعي مجبور به مهاجرت گرديد و اکنون در شهر مونتريال کانادا با خانواده اش زنده گي دارد.

آهنگهاي نصيرايام گرم و صميمی است، آنقدر گرم که او با اميدواری زمستان های سرد غربت و پاييز های غم انگيز را به سوی واژگانی گرم می کشاند. مثلاً در آهنگ ( بخوانم از وطن ) هنگامی که تمام آهنگ در احاطه ی ترکیباتی از قبیل سرود پرسوز و آوازگيرا ، تابستان گرم غربت و بهاري بي وطني و پاييز غم انگيز هجرت ، مرغزار های لگدمال شده زا دگا هش را به خوبی می نمایاند . نصيرايام هنرمندی است اماتور و با احساس ، صميمی ، مهربان با زنده گی ، مسلط به صحنه و بسيار جسور . او عاشق پاک باخته ی کشورش است و همیشه ياد و خاطره ميهن ذهنش راميفشارد.

بخوانم از وطن تاگل برويد  
غم جانکاه غربت را بشويد  
بگويد مادر ميهن غم را  
براي نسل هاي بعد بگويد

من آن مسکین تنهای غریبم  
دیگر از سهم کشور بی نصیبم  
بخود گفتم وطن آباد گردد  
همه داند که خود را میفریبم

زمان را بیخ گرفت از آه سردم  
سرا پاغصه و فریاد و دردم  
قسم خوردم بنام مام میهن  
زرنجی مردم غافل نگردم

بدوشم کوله باری از جدایی  
به دور از دوستی و آشنایی  
وطن ای زاد گاهی نازنینم  
چرا خوابی ز چشم میربایی.

نصیر ایام هنرمندیست گرم و صمیمی و انسانیت خوش قلب و مهربان و خوش برخورد و قدر شناس. وی اکنون در اوج محبوبیت و شهرت قرار دارد و در محافل و خوشی با تمام توان تلاش مینماید تا رضایت خاطر هموطنانش را جاب نماید. موصوف در محافل و مجالس افغانان ازمانتریال تا تورنتو، اتاوا، کالگری، کیوبک ستی ... شرکت مینماید و خود را شریک شادی و نشاط هممیهنانش میداند نامبرده تاکنون بخاطر مادیات کسی را نرنجانیده است. وی در تمام محافل و مجالس وطنی و افغانی داوطلبانه شرکت و حتا در نشست های وطنی کمک مادی نیز مینماید.

باری برهان شیرزاد ریس انجمن فرهنگی افغانان کیوبک میگفت: " نصیر ایام نه تنها شریک مطمئن در کارهای اجتماعی و فرهنگی و بلکه همکار و همیار در امورات وطنی و افغانی است و ایام انسانیت پاک دل و خوش برخورد و صمیمی و همیشه در کارهای انجمن بی دریغانه و سخاوتمندانه مرا یاری رسانیده است. "

نصیر ایام میگوید: " موسیقی آینه است و همواره تصویری جامع از حیات اجتماعی را ارائه می دهد . موسیقی در طول حیات خود همیشه با فراز و فرودهای بسیاری مواجه بوده و بنابر شرایط جدید دستخوش تغییر شده است به همین دلیل بررسی رشد کیفی هنر موسیقی باید در مقایسه با زمان خود مطرح شود.

اکنون موسیقی ما، با نگرش و موجی جدید، حیات دوباره را آغاز کرد. در این دوران نسل جدیدی از جوانان تحصیل کرده، به صحنه موسیقی آمدند و رشد مطلوبی را در موسیقی ایجاد کردند. امروز کیفیت کار آوازخوانان، کمپوزگران و نوازندگان در مقایسه با گذشته رشدی چشمگیری داشته و آهنگسازان و نوازنده گان بیشتر آگاهانه عمل می کنند.

ایام در ادامه افزود: " آنچه از موسیقی در حال حاضر باقی مانده حاصل تلاش بزرگان موسیقی از گذشته تا به امروز بوده است و در این رهگذر افراد و هنرمندان بسیاری آمدند و رفتند که به اندازه خود برای هنر موسیقی خدمات شایسته ای را انجام دادند ". قرار است نصیرایام آهنگ جدیدی را به دوستداران هنرش با این اشعار عرضه نماید .

زمستان تابهاران خوانده ام من  
به یاد فصل باران مانده ام من  
بهارو سال نوو روز نوروز  
نهال آرزو را شانده ام من.

صفای زنده گی در کامران نیست  
نوایی دایمی درزند گانیست  
بیاباهم شویم دستی بگردن  
بهارزنده گی درمهربا نیست.

بهاران- کدورت ها را بشوید  
حدیث مهرو وفا را بگوید  
به باغ قلبهای خسته از جنگ  
درخت صلح و دوستیها بروید.

دعا گویم بهار زود تر بیاید  
به شهری آرزوهایت بپاید  
بهار و روزنو، نوروزباستان  
قناری خوشی ها آرد براید.

بهار! باران رحمت ها بیارد  
صفا و صلح و یکرنگی بیکارد  
خدا خواهد به شهر و خانه ما  
پیام عشق و دوستی را بیارد.

امروز نصیر ایام یک سروگردن از همقارانش در شهر مونتریال بالاست و در کنسرتها و محافلش همیشه از دهام میجوشد. من زمانی از ایام پرسیده بودم که علت موفقیت و گرمجوشی برنامه های هنری تان در چیست؟؟؟  
بالبخت همیشه گی اش گفت: استاد! من از صمیم قلب به مردم علاقه دارم و همین علاقمندی باعث میشود که از ته دل بخوانم و بنوازم تا خنده را بر لب و شوق را بر دل هموطنانم به ارمغان بیاورم.  
من موسیقی را بشکل اماتور فرا گرفته ام و کوشش زیاد مینمایم تا با احساس تقدیم مردم نمایم.  
ایام در مورد موسیقی میگوید: هنر موسیقی دارای ظرفیت های بسیار مناسبی است که باید مورد استفاده قرار گیرد. هنر موسیقی در نزد هنرمندان کشور رشد و شکوفان گردیده و به بالنده گی و بلوغی رسیده است و موسیقی یگانه وسیله است برای تسکین درد ها آلام و ایجاد شادی و سرور در بین مردم.